یادداشت میهمان

مشت خالی آمریکا بلوف گزینه روی میز اوباما

هر از چند گاهی جمله همیشگی و معروف همه گزینه‌ها روی میز است از زبان مقامات آمریکایی شنیده می‌شود. اظهارات باراک اوباما در فروردین ماه سال جاری در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک تایمز و یا سخنرانی خرداد ماه وی در جمع یهودیان آمریکا از این دست بلوف‌ها است.

هیلاری کلینتون وزیر خارجه سابق آمریکا در کتاب خاطرات خود، سیاست خارجی مؤثر را استفاده هم‌زمان از چماق و هویج معرفی کرده و پیدا کردن توازن درست میان این دو را بیش از علم، نیازمند هنر دانسته است؛ از این روی و با توجه به بسیاری از شواهد دیگر، منظور از گزینه روی میز، چماق حمله نظامی است.

اما بررسی زوایای مختلف هنر مذاکره و دیپلماسی در پناه تهدید، خود هنری ظریف‌تر می‌طلبد. از این رو بررسی امکان تحقق گزینه نظامی هدف نوشتار پیش رو قرار گرفته است.

در چند وقت اخیر، موجی از اظهارات تهدیدآمیز و به تبع آن فضاسازی گسترده رسانه‌ای آغاز شده است. مقامات نظامی آمریکا از جمله اشتون‌کارتر (وزیر دفاع)، ژنرال جیمز ماتیس (رئیس سابق ستاد فرماندهی ارتش) و مارتین دمپسی (فرمانده ستاد مشترک ارتش) طی اظهاراتی جداگانه در تیر ماه سال جاری بر اعتبار یک حمله نظامی به منظور تخریب تاسیسات هسته‌ای ایران تاکید کرده‌اند.

اما فارغ از همه هیاهو و جنجال‌های رسانه‌ای و تقسیم کار هوشمندانه نظام سلطه، یک سؤال اساسی به ذهن متبادر می‌شود و آن این است که واقعیت پس پرده چیست؟

براساس گزارش نشریه نظامی گلوبال نایت در تیرماه، تمرکز عملیات نظامی پنتاگون بر جاهایی است که هواپیما می‌تواند بدون درگیر شدن با عواقب کار خود، بمباران کند. در انتهای این گزارش آمده است تسلیحات خریداری شده آمریکا طی سال‌های اخیر (برد کوتاه و پرتاب‌شونده از هواپیما) در عملیات فرضی علیه روسیه، چین و ایران کارآمد نخواهد بود.

نکته قابل توجه این که آیا آمریکا با حمله به تاسیسات نظامی ایران و حتی انهدام آن، توان نابودی دانش هسته‌ای را که در دل و جان دانشمندان باغیرت ایرانی نهادینه شده است، دارد؟

نکته‌ای که پایگاه آمریکایی بیزنس اینسایدر نیز در خصوص بمب نفوذگر مهمات انبوه از قول آگنوس کینگ سناتور ایالت کینگ، به آن اشاره می‌کند همین است. کینگ در این خصوص می‌گوید؛ اول اینکه شما نمی‌توانید دانش هسته‌ای آنها را بمباران کنید و دوم هیچ ضمانتی وجود ندارد که یک دور از حملات هوایی برای چنین منظوری کافی باشد.

پس از جنگ عراق که ارمغان آن برای مردم آمریکا کشته شدن بیش از ۴۲۰۰ سرباز و هزینه مستقیم آن بیش از چند هزار میلیارد دلار برآورد شده است، مشاهده می‌شود که فضای داخلی آمریکا به لحاظ روانی به هیچ عنوان تحمل جنگی دیگر را ندارد به‌گونه‌ای که براساس نظرسنجی مؤسسه گالوپ، همزمان با ادعای آمریکایی‌ها برای حمله به سوریه، ۵۱ درصد از مردم این کشور صراحتا و ۱۳ درصد با اطمینان کمتر مخالف حمله نظامی بودند.

نکته دیگر این است که هر جنگ و لشکرکشی نیاز به بودجه دارد و آمریکا برای شروع جنگی جدید به بودجه بیشتری نیاز دارد؛ در این باره می‌توان به گزارش صندوق بین‌المللی پول اشاره کرد. براساس این گزارش، ایالات متحده ناگزیر است تا برای پیشگیری از بروز اختلال در هزینه‌های جاری و بازپرداخت بدهی‌ها، مالیات‌ها را تا دو برابر افزایش دهد؛ لذا آغاز جنگی جدید در گستره‌ای جهانی با ایران، اضمحلال اقتصادی این کشور را در پی خواهد داشت.

نکته بعدی این که آمریکا پس از جنگ‌های افغانستان و عراق به صورت مستقیم وارد هیچ جنگ دیگری نشده است. باراک اوباما در سخنرانی خردادماه سال گذشته در دانشکده نظامی وست پوینت ایالت نیویورک با اشاره به رویکرد آمریکا مبنی بر عدم مداخله مستقیم و تحقق اهداف به دست بازیگران منطقه‌ای، دکترین نظامی خود را بر مبنای جنگ‌های نیابتی و استفاده از بازیگران مزدور منطقه‌ای عنوان کرد.

از سوی دیگر، بر مبنای گزارش راهبردی شاخص قدرت نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۵، ارتش آمریکا از لحاظ ظرفیت و قابلیت با شرایط مطلوب خود فاصله چشمگیری دارد و در این شرایط آغاز جنگی جدید و حتی هماوردطلبی و تهدید کشوری دیگر را نمی‌تواند عهده‌دار شود.

اما علت حجم انبوه تهدید و فضاسازی علیه ایران چیست؟ نخست، باراک اوباما و سایر مقامات آمریکایی ناگزیرند تا برای پاسخگویی به انتقادات شدید (به خصوص توسط اسرائیل) به ایران بتازند. بر کسی پوشیده نیست که زمام امور در آمریکا در دست یهودیان قرار دارد و هر مقام آمریکایی باید برطرف کننده دغدغه همه طیف‌های فکری صهیونیست‌ها باشد، چه طرفدار جنگ و چه طرفدار مذاکره.

از سوی دیگر، برای زمامداران آمریکایی مهم است که بتوانند سیاست مطلوب خود را برای مخالفان نیز توجیه کنند. به عنوان مثال می‌توان به مصاحبه باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا با تلویزیون اسرائیل اشاره کرد. وی در حالی که سعی داشت مذاکرات هسته‌ای را توجیه و از انتقادات جنگ‌طلبانه تندروهای اسرائیلی بگریزد به این نکته اذعان کرد که راه‌حل نظامی، برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نخواهد کرد. وی ادامه داد که حتی اگر ایالات متحده در اجرای چنین راه‌حلی مشارکت کند باز هم تنها شاهد کاهشی موقت در سرعت فعالیت‌های ایران و نه حذف کامل آن خواهیم بود.

اما نگاهی دقیق‌تر به اظهارات مقامات آمریکایی تداعی‌کننده ضرب‌المثل ایرانی «به مرگ بگیر تا به تب راضی شود» است، در غیر این صورت استفاده جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا از صفت «بسیار خطرناک» برای حمله نظامی به ایران در سخنرانی در «اندیشکده واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» چگونه توجیه‌پذیر است؟

اما از همه مهمتر یادداشتی است که روزنامه نیویورک تایمز دو روز قبل از توافق وین (برجام) منتشر کرد. این یادداشت در دفاع از توافق نوشته است: «توافق ژنو برای اولین‌بار در طول سال‌های گذشته برنامه هسته‌ای ایران را به طرز بی‌سابقه‌ای متوقف کرده است. ایران به جای اضافه کردن سانتریفیوژهای بیشتر، نصب بیشتر آنها را متوقف کرده و اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی خود را حذف یا رقیق کرده و بازرسی‌های بیشتر آژانس را مجاز کرده است. هیچ یک از منتقدان توافق هسته‌ای از بنیامین نتانیاهو گرفته تا نامزدهای جمهوری‌خواه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، یک راه‌حل جایگزین که حتی بتواند ضامن دست‌یابی به دستاوردهای از سال ۲۰۱۳ به بعد باشد را ارائه نکرده‌اند. آمریکا چه در زمان ریاست جمهوری اوباما یا رئیس‌جمهور بعدی قرار نیست با ایران وارد جنگ شود.»

گفتنی است آمریکا و متحدانش پیش از این در جریان جنگ تحمیلی و در حمایت همه‌جانبه از رژیم بعثی عراق توان خود را در مقابله نظامی با جمهوری اسلامی ایران آزموده و از این آزمون با ناکامی بیرون آمده بودند و این در حالی است که توان نظامی و سیاسی و منطقه‌ای ایران اسلامی در حال حاضر و در مقایسه با آن دوران از رشد و شتاب مثال‌زدنی و فراوانی برخوردار است و در مقابل، آمریکا و متحدانش از آن هنگام تاکنون روی قوس نزولی قدرت در حرکت بوده‌اند تا آنجا که به قول تحلیل‌گر نیویورک تایمز «آمریکا به اندازه پیشروی در مقیاس یک بند انگشت هم توان یک حمله نظامی تازه و جدید در خاورمیانه را ندارد».

اکنون باید به دیدگاه آمریکا در اظهارات خانم هیلاری کلینتون - وزیرخارجه وقت آمریکا- بازگشت که برای مقابله با ایران اسلامی به بهره‌گیری از فرمول همزمان «چماق و هویج» اشاره کرده بود. این دیدگاه که شواهد و مستندات فراوانی در تائید آن قابل ارائه است، می‌تواند و باید نشان‌دهنده این واقعیت باشد که تهدید آمریکا به استفاده از گزینه نظامی برای مقابله با ایران فقط در حد و اندازه یک «لاف گزاف» قابل ارزیابی است و به قول هفته‌نامه آمریکایی «ویکلی استاندارد»؛ در ارزیابی موقعیت آمریکا در مقابل ایران «تمامی روسای جمهور آمریکا از کارتر تا اوباما در یک نقطه با امام خمینی(ره) اشتراک نظر دارند و آن، این که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».

محمدحسن محبی

نگاه اوباما به پساتوافق

تحریم‌های جدید علاوه بر تحریم‌های قبلی!

رئیس‌جمهور آمریکا در نامه‌ای به یک سناتور تاکید کرد: من اطمینان می‌دهم که حق ایالات متحده برای حفظ و اجرای تحریم‌های موجود و حتی اعمال تحریم‌های جدید برای رسیدگی به نگرانی‌های مداوم درباره ایران محفوظ است.

رئیس‌جمهور آمریکا نامه‌ای به یکی از سناتورهای آمریکایی نوشت که تا حدی سیاست‌های واشنگتن پس از اجرای توافق هسته‌ای را روشن می‌کند.

به گزارش فارس، «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا در نامه‌ای به سناتور «جرالد ندلر» نوشت: توافق هسته ای ایران و ۵+۱ قوی‌ترین نظام بازرسی‌هایی که تاکنون برای نظارت بر یک برنامه هسته‌ای مورد مذاکره قرار گرفته را ایجاد کرده است.

ایران همچنان امکان دسترسی به بازار ما به عنوان بزرگترین بازار دنیا را نخواهد داشت و ما تحریم‌های شدید خود که هدف آن حمایت ایران از گروه‌هایی مانند حزب‌الله، نقش بی‌ثبات‌کننده در یمن، حمایت از بشار اسد، برنامه موشکی و نقض حقوق بشر در داخل این کشور است، حفظ خواهیم کرد.

من اطمینان می‌دهم که حق ایالات متحده برای حفظ و اجرای تحریم‌های موجود و حتی اعمال تحریم‌های جدید برای رسیدگی به نگرانی‌های مداوم محفوظ می‌باشد.

هیچ نهاد یا شخصیتی (ایرانی) که با فعالیت‌های مرتبط با تروریسم و یا نقض حقوق بشر در ارتباط است، از لیست تحریم‌های تروریسم یا حقوق بشر خارج نمی‌شود.

هر زمانی که ایالات متحده تشخیص دهد که ایران به تعهدات خود عمل نکرده هیچ کشور دیگری نمی‌تواند توانایی ما برای بازگشت تحریم‌های چندجانبه را مسدود نماید.

هر ۹۰ روز یکبار گواهی‌ای درباره انطباق ایران با برجام تحت قانون بررسی توافق هسته‌ای ایران (INARA) صادر خواهد شد و هر ۱۸۰ روز یکبار گزارشی در خصوص طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله اجرای برجام، تروریسم ایرانی‌ها، حقوق بشر، موشک‌های بالستیک، فعالیت‌های پولشویی و سایر موارد به کمیته‌های مربوطه و رهبری ارائه خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری‌ها، اندیشکده آمریکایی «دفاع از دموکراسی» در یادداشتی تحلیلی نوشت: مصاحبه با دانشمندان و نظامیان ایران برای پی بردن به ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ایران ضروری است.

تغییر در ایران، هدف اوباما از توافق هسته‌ای

پایگاه آلمانی «ارپ آن‌لاین» در گزارشی نوشت: اوباما با توافق هسته‌ای بخت خود را برای تغییر ایران می‌آزماید.

در ادامه گزارش آمده است: توافق هسته‌ای ایران در ظاهر به مسایل فنی، سانتریفیوژها، مسایل تحقیقاتی و راکتورها مربوط می‌شود. اما در اساس به این ربط دارد که آیا آمریکا نقش رهبری را در جهان ایفا می‌کند؟

ارپ آن‌لاین افزود: اوباما با باقی ماندن زیرساخت‌های هسته‌ای ایران موافقت کرده است. با این حال همه چیز را به ۱۵ سال آینده سپرده است.

ایالت‌های آمریکا به طور مستقل ایران را تحریم می‌کنند

وال‌استریت ژورنال در گزارشی نوشت: ایالت‌های آمریکا به طور مستقل ایران را تحریم می‌کنند.

در ادامه گزارش آمده است: تاکنون ۲۵ ایالت تحریم‌هایی علیه ایران وضع کرده‌اند.

وال‌استریت ژورنال افزود: آنطور که در قانون جامع تحریم‌های ایران موسوم به «سیسادا» (CISADA) هم آمده است، در صورتی که ایالت‌ها به دلایلی تصمیم به ایجاد محدودیت علیه ایران بگیرند، دولت فدرال باید از این تصمیم آن‌ها حمایت کند.

توافق هسته‌ای توان ایالت‌ها برای اعمال تحریم علیه ایران را از بین نمی برد.

آمریکا به جز توافق گزینه دیگری ندارد

لس‌آنجلس تایمز در گزارشی اعلام کرد: آمریکا به جز توافق،گزینه مناسب دیگری برای مقابله با ایران ندارد.

این گزارش می‌افزاید: مراد از جایگزین‌های توافق، «گزینه نظامی علیه ایران» و «گزینه تشدید تحریم‌ها»ست که بسیاری از تحلیلگران و سیاستمداران آمریکایی در روزهای گذشته از ناکارآمدی آنها به علت قدرت گرفتن ایران از یک سو و عدم همراهی دیگر کشورها از سوی دیگر سخن گفته‌اند.

لس‌آنجلس تایمز در ادامه تاکید کرد: «برچیده شدن بخش بزرگی از زیرساخت‌های هسته‌ای ایران»، «بازرسی‌های فشرده» و «امکان بازگشت تحریم‌ها» از نقاط قوت توافق هسته‌ای است.

کمالوندی: اواخر مهرماه زمان آغاز فرآیند اجرای تعهدات ایران!

به گزارش فارس، «بهروز کمالوندی» سخنگوی سازمان انرژی اتمی در مصاحبه با خبرگزاری صدا و سیما گفت: اواخر مهرماه زمان آغاز فرآیند اجرای تعهدات ایران و تایید آن در آژانس و لغو تحریم‌ها در چارچوب برجام است.

کمالوندی افزود: روز پس از پایان مذاکرات و صدور قطعنامه در شورای امنیت یعنی تا اواخر مهر انتهای پروسه‌ای است که باید مراحل قانونی بررسی توافق در ایران و کشورهای ۵+۱ اگر لازم است، انجام شود.

وی در ادامه گفت: البته ممکن است این کار بنابر ملاحظاتی ۱۰ تا ۱۲ روز زودتر از این موعد هم انجام شود.

سخنگوی سازمان انرژی اتمی تصریح کرد: زمانی که همه کشورها اعلام کنند که مراحل قانونی را تمام کرده‌اند، آنگاه زمان اجرای تعهدات طرف‌ها آغاز می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

فتنه

گفت: دبیر کل حزب تازه تاسیس فتنه‌گران که تحت نام مستعار «حزب اتحاد ملت» وارد عرصه شده است در مصاحبه‌ای گفته است، «چیزی به نام فتنه برای ما تعریف نشده است»!

گفتم: شاید فتنه را با نام واقعی آن یعنی «پادویی و ایفای نقش ستون پنجم برای مثلث آمریکا و اسرائیل و انگلیس» می‌شناسد.

گفت: در حالی که ماجرای وطن‌فروشی اصحاب فتنه همه دنیا را پر کرده است دبیر کل حزب جدید فتنه‌گران چگونه خودش را به آن راه می‌زند و از فتنه اظهار بی‌خبری می‌کند.

گفتم: چه عرض کنم؟! از یارو پرسیدند، هنگام زلزله ۷ ریشتری دیشب کجا بودی؟ گفت؛ من رویم آن طرف بود و متوجه نشدم!

عضو کمیسیون ویژه برجام

لازم باشد برجام را با طرح مجلس بررسی می‌کنیم

اسماعیل کوثری با بیان اینکه اگر امضایی نشده و توافقی صورت نگرفته، چرا شورای امنیت قطعنامه ۲۲۳۱ را صادر نموده است؟ گفت: مجلس در صورت ضرورت، برجام را در قالب طرح بررسی می‌کند.

به گزارش رجا، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در خصوص برنامه‌ها و شیوه فعالیت کمیسیون ویژه برجام گفت: دوشنبه ۹ شهریور ماه، جلسه‌ای با حضور آقایان عراقچی و تخت روانچی، سه شنبه جاری نیز با حضور تیم مذاکره‌کننده قبلی، تیم آقای جلیلی برگزار می‌شود و در روز چهارشنبه نیز به احتمال زیاد اعضای کمیسیون از سایت فردو و نطنز بازدید خواهند داشت و در نهایت گزارشی کلی ارائه خواهد شد.

اسماعیل کوثری در پاسخ به این سوال که با توجه به اینکه آقای رئیس جمهور اعلام کردند چون چیزی امضا نشده، پس لایحه‌ای نیز به مجلس ارائه نخواهد شد؛ چه فرآیند قانونی‌ای در مجلس طی خواهد شد، گفت: پس از صحبت‌های اخیر آقای روحانی چند سوال مطرح می‌شود؛ اگر امضایی نشده و توافقی صورت نگرفته، چرا شورای امنیت قطعنامه ۲۲۳۱ را صادر نموده است؟ اگر توافقی نشده است، چرا کنگره آمریکا در تقلا برای بررسی آن است؟ اگر توافقی رخ نداده، چرا اقدامات زیادی برای جشن گرفتن انجام داده‌اند؟

عضو کمیسیون برجام در خصوص ارائه طرح از سوی مجلس خاطرنشان کرد: مجلس اگر ضرورت داشت، آن را در قالب طرح مطرح می‌کند و اگر ضرورت هم نداشت، نظر خودش را برای اصلاح موضوع مطرح می‌کند تا مزایا و معایب موجود در برجام دقیقا مشخص و در گزارش کمیسیون ذکر گردد.

وی در پاسخ به این سوال که با توجه به تحلیل‌های موجود، توافق صورت گرفته قابل اصلاح نبوده و در مجلس صرفا می‌بایست مورد پذیرش قرار گیرد یا رد شود، پیشنهاد اصلاح در گزارش کمیسیون چه وجاهت قانونی خواهد داشت، اظهار داشت: این یک نظر است که حالا آقای عراقچی در کمیسیون امنیت ملی مجلس مطرح کرده‌اند، اما موقعی که آقای رئیس‌جمهور می‌گوید چیزی امضا نشده است؛ پس حالا که هنوز امضا نشده، قابل اصلاح هم هست.

کوثری همچنین در گفت و گو با باشگاه خبرنگاران با بیان اینکه چرا دولت در زمانی که خبر جمع‌بندی مذاکرات اعلام شد، آن را به مجلس ارائه داد و چرا توافق ژنو اجرایی شد؟ گفت: اگر این توافق چندان معتبر نیست و امضا نشده، چرا زمان برای آن مشخص شده و بر لغو تحریم‌ها به این حد پافشاری می‌شود و حرف از قطعی شدن رفع تحریم‌ها می‌زنند؟

وی با اشاره به اظهارات رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه ما شش قطعنامه را به یک قطعنامه تبدیل کردیم، پرسید: اگر چیزی امضا نکرده‌ایم پس دلیل این کار شما چه بوده است و بر چه اساسی صورت گرفته است. رئیس‌جمهور باید با مردم شفاف‌تر صحبت کند و برایشان این تصور نشود که مردم نمی‌فهمند؛ بلکه مردم از رئیس جمهور خود انتظار دارند شفاف‌تر صحبت کنند.

کوثری با بیان اینکه همه این سوالات از ابتدا برای ما مطرح بوده است، گفت: اینکه به ما می‌گویند دلواپس و چنین برچسب‌هایی را به ما می‌زنند، به دلیل پرسیدن این گونه سوالات است.

خبر ویژه

اگر موافق کمیسیون مشترک با ۵+۱ نباشیم که مکانیسم ماشه فعال می‌شود!

معاون وزیر خارجه می‌گوید اگر ما موافق نباشیم، هیچ چیزی در کمیسیون مشترک با ۵+۱ تصویب نمی‌شود.

به گزارش ایسنا، عباس عراقچی در جلسه کمیسیون ویژه مجلس برای رسیدگی و درباره ضمانت اجرای برجام گفت: تنها ضمانت اجرا، خود ما هستیم و تنها راه آن هم بازگشت به شرایط قبل از توافق است و راهکار دیگری قابل تصور نیست، چرا که شکایت را نمی‌توان به خود آنها برد و منتظر آنها ماند. بنابراین خودمان، تعهداتمان را متوقف می‌کنیم.

عراقچی درخصوص کمیسیون مشترک با ۵+۱ گفت: همه تصمیمات کمیسیون مشترک با اجماع است. پس اگر ما موافق نباشیم، هیچ‌چیز جز بازدید از اماکن نظامی در چارچوب پروتکل الحاقی تصویب نمی‌شود. پروتکل الحاقی هم امر غیرمتعارف نیست.

وی با تاکید بر اینکه دسترسی‌ها در چارچوب پروتکل است، افزود: «پروتکل الحاقی هم صرفا سیاست‌های هسته‌ای اعلام شده از سوی کشور پذیرنده را در بازدید، قابل دسترس قلمداد می‌کند نه هر مکان و هر جایی را. اگر آژانس به مکانی شک داشت باید مسیر طولانی را طی کند نه اینکه بازرسی قابل دسترسی شامل آن شود. یعنی حداقل نزدیک یک ماه زمان خواهد برد نه اینکه ۲۴ ساعته امکان دسترسی داشته باشد و تازه همین بازرسی هم دسترسی مدیریت شده است».

آنچه در این قبیل اظهارات مغفول می‌ماند و فراموش می‌شود این است که برخلاف تعهدات مشروط و تأخیری طرف مقابل، تعهدات ما از جمله در زمینه ارسال ۹۸ درصد ذخایر اورانیوم ۳/۵ درصد به خارج، بتون‌ریزی در قلب راکتور اراک، از هم گسیختن زنجیره آبشاری دوسوم سانتریفیوژها و... یا اصلا بازگشت‌پذیر نیست و یا حداقل ۵-۴ سال طول می‌کشد که به نقطه اول بازگردد اما تعهدات طرف مقابل- که البته با تعهدات ما همزمان هم نیست و پس از اتمام تعهدات ما آغاز می‌شود- به شدت مقید و مشروط و برگشت‌پذیر است.

نکته دوم درباره «کمیسیون مشترک و عدم امکان اتخاذ تصمیم مگر به صورت اجماع» می‌باشد. طبق مواد ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ و همچنین مواد ۳۶ و ۳۷ برجام، هر نوع ارجاع اختلاف به کمیسیون مشترک، به طور اتوماتیک (مکانیسم ماشه)، تحریم‌های معلق شده را فعال می‌کند و برای تعلیق دوباره آنها باید «اجماع» حاصل باشد و الا حتی اگر یک عضو از ۸ عضو کمیسیون مخالفت کنند، تحریم‌ها دوباره فعال خواهد شد. بنابراین «اجماع در کمیسیون مشترک» نیز به ضرر ما و علیه منافع ما در کلیت توافق است.

نکته سوم این که جلب رضایت آژانس در همکاری‌ها و بازرسی‌ها رکن برجام و قطعنامه است و این تعبیر که اگر ما موافق نباشیم بازدید و بازرسی تصویب نمی‌شود، در تناقض با مفاد برجام و قطعنامه است. اکنون در حالی که دولت و وزارت خارجه در رویکردی شتابزده و غیرقانونی به دنبال آغاز اجرای تعهدات از مهرماه هستند می‌توان افق چند ماه بعد را دید که ما همه تعهدات برگشت‌ناپذیر را به سرانجام رسانده‌ایم و آنگاه در صورت زیاده‌خواهی غرب و آژانس مجبوریم به جناب مدیرکل یا شورای امنیت «نه» بگوییم که در آن صورت به نقطه اول بازنمی‌گردیم بلکه هم طرف اتهام قطعنامه و برجام واقع می‌شویم و هم بخشی از برگ برنده خود را واگذار کرده‌ایم.

وقتی آقای زیگزاگ استراتژیست اصلاح‌طلبان می‌شود

بی‌ثباتی یک تئوریسین اصلاح‌طلب باعث اعتراض در این طیف شده است.

به گزارش سایت آفتاب به نقل از «امید»، صادق زیباکلام در حالی که شهریور ۹۲ می‌گفت عارف رئیس مجلس دهم خواهد بود اکنون می‌گوید عارف رئیس مجلس نخواهد بود.

به گزارش امید، زیباکلام «از جمله چهره‌های سیاسی است که رسانه‌ها مکرراً برای تحلیل برخی رویدادهای سیاسی به سراغ او می‌روند. شاید همین کثرت حضور در رسانه‌ها و اظهارنظرهای مختلف در حوزه‌های گوناگون باشد که تحلیل‌های ایشان درباره رخدادهای سیاسی را با کمال پوزش از دکتر زیباکلام نمی‌توان جدی گرفت».

وبسایت امید وابسته به طیف عارف می‌افزاید: جدای از کثرت اظهارنظر درباره موضوعات گوناگون شاید عدم اطلاع دقیق از مواضع گروه‌های مختلف سیاسی باعث شده تحلیل‌های دکتر زیباکلام همواره با موج رسانه‌ای همراه باشد. به عنوان مثال ایشان در گفت‌وگو با روزنامه آرمان روز شنبه- هفتم شهریور- به انتخابات مجلس آینده اشاره کرد و بر لزوم ریاست حجت‌الاسلام ناطق نوری در مجلس دهم تأکید کرد. این در حالی است که دکتر زیباکلام در تاریخ ۲۳ شهریور ۹۲ در گفت‌وگو با سایت فرا رو تأکید کرد که اگر جبهه متحد اصلاح‌طلبان بتواند بالنسبه در انتخابات اسفند ۹۴ موفق باشد مطمئن باشید رئیس مجلس آینده آقای دکتر محمد رضا عارف خواهد بود. او همچنین در مصاحبه روزنامه آرمان ضمن مرور انتخابات ریاست جمهوری از تلاشش برای پیروزی دکتر روحانی در این انتخابات و عدم تمایلش برای پیروزی دکتر عارف سخن گفته است با این حال دکتر زیباکلام در ۲۰ خرداد ۹۱ یعنی یکسال قبل از انتخابات ریاست جمهوری در گفت‌وگو با سایت قانون تأکید کرد که اگر دکتر عارف کاندیدا شود دوم خرداد تکرار می‌شود او در همان مصاحبه گفته آقای هاشمی رفسنجانی در صورت تحقق نامزدی عارف ممکن است از اسحاق جهانگیری، حسن روحانی یا فی‌المثل دکتر محمدعلی نجفی بخواهند که به نفع عارف کنار روند.

«امید» خاطرنشان می‌کند: اینگونه اظهارنظرهای متناقض آن هم از سوی استاد دانشگاه تهران که از او به عنوان تحلیل‌گر نام برده می‌شود در حالی صورت می‌گیرد که هنوز اظهار نظری درباره کاندیداتوری افراد از جمله دکتر عارف و حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری رسماً مطرح نشده است البته ظرفیت فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور برای شنیدن و انتشار تحلیل‌های مختلف در حد مطلوبی قرار دارد و مطمئناً افکار عمومی از خواندن و شنیدن تحلیل‌های جامع و منطقی استقبال می‌کنند به شرط آنکه واقعاً بتوان از آن به عنوان «تحلیل» نام برد.

زیباکلام پیش از این گفته بود اصلاح‌طلبان به خاطر بعضی از تحلیل‌هایم می‌گویند گل بگیرند در دانشکده‌ای را که تو آنجا تدریس می‌کنی!

تلگراف: از نگاه ایرانی‌ها انگلیس روباه پیر است

روزنامه دیلی تلگراف نوشت وزیر امور خارجه انگلیس با سفر این هفته خود به ایران کاری بیش از بازگشایی سفارت لندن در تهران کرد و حضور او نشان دهنده شروع فصل جدیدی در روابط مسموم اما به طور عجیب صمیمانه دو کشور بود.

این روزنامه افزود: یک روزنامه داخلی با برشمردن ۲۹ جنایت مهمی که به گفته می‌شود «روباه پیر» با انگلیس انجام داده است، از هاموند استقبال کرد. اتهامات مطرح شده در روزنامه کیهان شامل حادثه سال ۱۸۵۷ می‌شود که لندن بخشی از خاک ایران را که به کشور افغانستان تبدیل شد، از این کشور جدا کرد.

دیلی تلگراف خاطرنشان کرد: در این فهرست رسوایی، انگلیس به عنوان یک کشور حیله‌گر و بی‌رحم معرفی شده است.

این روزنامه افزود: براساس اسناد، ایران همواره مستقل بوده و هیچگاه بخشی از امپراتوری محسوب نمی‌شده اما در حقیقت لندن بر ایران نفوذ داشته است. انگلیس به عنوان یک منبع نفت و کشوری حایل برای محافظت از هند در برابر روسیه به ایران نیاز داشت. البته روش انتخابی انگلیس برای کنترل، محرمانه و غیرمستقیم بوده است. لندن به جای فتح ایران خود را به قدرتی در پس پرده پادشاهان تبدیل کرد.

این همه امتیاز که می‌دهید تعهد نیست؟!

«اگر به تعبیر رئیس‌جمهور توافقی امضا نشده، پس این همه اقدامات و تعهدات برای چیست؟»

روزنامه رسالت ضمن طرح پرسش فوق، به نقد چند فراز از اظهارات روحانی پرداخت و نوشت: رئیس‌جمهور محترم در مصاحبه با خبرنگاران فرمود: «چیزی امضا نکرده‌ایم که برای تصویب به مجلس بفرستیم» اگر واقعا چیزی امضا نکرده‌ایم پس اکسیدکردن غنی‌سازی بیست درصد و انجام تعهداتی که در ژنو و لوزان و سپس وین داده‌ایم و مرتبا هم آژانس این اقدامات محدودکننده فعالیت‌های هسته‌ای ایران را گزارش و تایید می‌کند، بر چه اساسی صورت گرفته است؟ اگر توافق امضاء می‌شد چه می‌کردیم؟ البته توافقی امضا نشده است چون طرف آمریکایی تاکنون هیچ اقدامی در رفع تحریم‌ها و ختم برخوردهای خصومت‌آمیز انجام نداده و حتی مدام از تهدید نظامی حرف می‌زند و سایه شوم جنگ را روی مذاکرات حفظ کرده است. اما سؤال اینجاست؛ اگر توافقی نشده، پس چرا براساس همان گفت‌وگوها دولت روند پیشرفت‌های هسته‌ای و نیز غنی‌سازی اورانیوم بالای بیست درصد را متوقف کرده و آن را به ۶/۳ درصد فرو کاهیده است؟

محمدکاظم انبارلویی در این یادداشت خاطرنشان کرد: نکته دیگر آنکه اگر مجلس نتواند در مورد برجام که به تعبیر دولتی‌ها مهمترین رویداد در تاریخ دیپلماسی ایران است، اظهارنظر کند، چگونه می‌تواند «در راس امور بودن» این نهاد مردمی را اثبات نماید؟ چه اصراری هست که مجلس در این امر مهم برکنار باشد؟ اگر «برجام» نه عهدنامه، نه مقاوله‌نامه، نه موافقت‌نامه، نه پیمان‌نامه و نه قرارداد دولت ایران با سایر دولت‌هاست، پس چیست؟ آیا اصل ۱۲۵ قانون اساسی، نوعی از قرارداد یا مناسبات دولت ما با دیگر دولت‌ها را از قلم انداخته است؟ نکته مهم اینکه اگر چیزی را شما امضا نکرده‌اید، چرا در صف اول دفاع بی‌چون و چرا از «برجام» ایستاده‌اید؟

رسالت همچنین نوشت: سایت ضدانقلابی کلمه با سه جمله به استقبال مصاحبه رئیس‌جمهور رفته است. کلمه از قول رئیس‌جمهور نوشت: ۱- حصر نباید به مسئله دائم تبدیل شود ۲- کسی از آن سود نمی‌برد ۳- باید طبق قانون به این وضع خاتمه داد. ظاهرا این حرف‌ها درست است و باید به آن عمل کرد. اما اگر خصومت سران فتنه با مردم، دائمی یا بهتر بگوییم مادام‌العمر باشد، چه باید کرد؟ آقای رئیس‌جمهور می‌گوید کسی از آن سود نمی‌برد. در حالی که رژیم صهیونیستی و آمریکا و انگلیس و ضدانقلاب‌ها بیشترین سود را از تداوم خصومت سران فتنه با نظام برده‌اند. می‌رسیم به نکته سوم؛ حال باید دید طبق قانون چگونه می‌شود به این وضع خاتمه داد؟ اگر قانونی وضع شود که وطن‌فروشی جرم نیست، اگر احکام مربوط به محاربه و بغی را از فقه برداریم، می‌شود راجع به رفع حصر، فکر و سپس اقدام کرد!

نظام برنامه‌ریزی دولت معطوف به تولید و عدالت نیست

استاد اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبایی می‌گوید دولت به جای برنامه‌ریزی توسعه درگیر توسعه عقب‌ماندگی و فقر است.

فرشاد مؤمنی در مصاحبه با شرق با انتقاد از اظهارات کلیشه‌ای برخی مسئولان دولتی از جمله رئیس سازمان مدیریت گفت: متأسفانه همچنان با نقش‌آفرینی دلارهای نفتی در ذهن مسئولان کشور مواجه هستیم. می‌بینیم که همراه با این سازه‌های ذهنی فاقد وجاهت علمی اصرارهای غیرمتعارفی وجود دارد تا ساختارهای نهادی ما نیز دست نخورده باقی بماند. این ساختار نهادی از زاویه نقش نحوه قاعده‌گذاری در سرنوشت کشور بازنگری نمی‌شود.

وی می‌افزاید: بدترین شرایط در چنین اوضاعی این است که ربا و تجارت پول، موتور خلق ارزش افزوده شود. این واقعیت وجود دارد، اما حتی به قدر طرح مسئله نیز جایگاهی ندارد. کانون توجه همچنان دلار نفتی است.

این اقتصاددان معتقد است: در شرایطی که پول این قدر بازدهی دارد، آیا دیگر کوچک‌ترین انگیزه‌ای برای اینکه به سمت بهتر شدن بنیه تولید ملی برویم، وجود دارد؟ آیا نباید مسئول برنامه‌ریزی کشور به فکر فرو رود که در اثر چه حکمت‌ها و منافعی، سکوت درباره این مسئله حیاتی ترجیح داده می‌شود؟ اگر دولت از بانک‌ها بخواهد برای مسائل ضروری کشور منابعی را تخصیص دهند، ببینید چه واویلایی رخ می‌دهد و این در سه سطح متمایز و البته مرتبط می‌شود؛ هم در دولت، هم طیف وسیع غیر مولدها و بالاخره نئوکلاسیک‌های وطنی که فریاد می‌زنند واویلا که استقلال بانک مرکزی مخدوش شد؛ اما وقتی مقامات به صراحت اعتراف می‌کنند که هفت هزار مؤسسه مالی غیرمجاز فعال هستند، اصلاً تا حالا ندیده‌ایم که یکی از این مقامات بگویند از این ناحیه نیز در استقلال بانک مرکزی خدشه ایجاد شده است!

شبیه به این وضعیت در قاعده‌گذاری‌های مربوط به تجارت خارجی، مالیات، بیمه‌های اجتماعی، نرخ ارز، نرخ بهره و... هم مشاهده می‌شود که به صورت نظام‌وار تیشه به ریشه بنیه تولید ملی می‌زنند. به این ترتیب، رانت‌خوارها و رباخوارها و واسطه‌ها را تقویت می‌کنند، اما در سطح کل مدیریت اقتصادی و برنامه‌ریزی کشور کوچک‌ترین اعتنایی به این واقعیت‌ها نمی‌شود و گویی باز هم قرار است که به نام برنامه‌ریزی توسعه به اصلاح این مناسبات و سیاست‌ها، کوچک‌ترین توجهی نشود و بلکه کمک کنند که حتماً استمرار یابد! در این صورت، بهتر است به جای عنوان برنامه‌ریزی توسعه از عنوان بامسمایی استفاده کنند، مثل برنامه استمرار عقب‌ماندگی و بازتولید فقر و فلاکت، باید به عزیزان گوشزد شود که اساس توسعه، تغییر ساختار نهادی مشوق رانت و ربا و فساد و جایگزینی آن با ساختار نهادی علم محور و تولید محور است.

این اقتصاددان با تخطئه «نئوکلاسیک‌های وطنی» گفت: این گروه در راستای ادای وظیفه نسبت به منافع غیرمولدها، با سر و صدای بسیار، راه نجات کشور را این دانستند که نرخ بهره بالا رود. با این توجیه که در تورم بالا نرخ بهره هم باید بالا باشد، اما وقتی نرخ تورم به یک سوم آن زمان رسید و براساس منطق خود اینها باید نرخ بهره به شکل متناسب پایین بیاید، به شکل غیرمتناسب و کاملاً نمایشی صرفاً به کاهش دو درصدی نرخ بهره در برابر کاهش نزدیک به ۳۰ درصدی در نرخ تورم بسنده شد. حتی در برابر این هم رانت‌جویان و تاجران پول به شدت مقاومت کردند و با سوء استفاده از برخورد غیر مسئولانه بانک مرکزی در زمینه انجام وظایف نظارتی، به شیوه‌ای به غایت نامناسب فشار بر تولید کنندگان را حتی نسبت به دوره قبل از کاهش نمایشی دو درصدی در نرخ بهره افزایش دادند. به طوری که در همین چند هفته اخیر طیف‌های مختلف صنف‌های تولیدی گفته‌اند به ویژه در بانک‌های خصوصی، شیوه‌های قاعده‌گذاری جدیدی وضع کرده‌اند که عملاً قیمت تمام شده پول برای تولید کننده‌ای که به شدت به سرمایه در گردش احتیاج دارد، به ۴۰ درصد وگاه حتی بیشتر از آن رسیده است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* همه مسئول و موظفیم تا نقشه دشمن را بشناسیم و به مقابله با آن برخیزیم بسیاری از مسئولین متأسفانه از نقشه راه دشمن و نفوذ آن بی‌خبرند و فقط رهبرمعظم انقلاب با این همه مشغله‌ای که دارند، کشورهای متخاصم را رصد و چون دیده‌بانی امین نقشه دشمن را برای مسئولین کشور ترسیم می‌نمایند.

۰۹۱۴---۰۶۰۱

* امام راحل(ره) ۳۳ سال پیش که در جهاد اصغر بودیم فرمود: الان چه وقت تعطیلی مجلس است. حال که در جهاد اکبر قرار داریم بالطبع دیگر نباید اصلا تعطیلی مجلس داشته باشیم چه رسد به اینکه یک ماه قبل بود که مجلس به تعطیلی رفت و حال تعطیلی دوم را سپری می‌کند!

حیدری

* انتظار مردم از دستگاه قضا پی‌گیری موضوع نگهداری ده‌ها سکه طلا و تلفن همراه توسط مهدی هاشمی در زندان و قطع کردن تمام شریان‌های فتنه‌ای است که محیط زندان را کانونی امن برای مفسدین اقتصادی و امنیتی می‌کند.

احمدی

* اگر مسئولین اجرائی اعتقادی به سخنان امام راحل(ره) داشته باشند که در ابتدای نظام جمهوری اسلامی فرمودند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، نمی‌بایست بگویند که ما سایه شوم جنگ را برطرف کردیم!

۰۹۱۹---۸۸۴۷

* آیا دولت این حق را دارد که هر نوع توافق هسته‌ای با غربی‌ها را با تمام ضعف‌ها و امتیازات واگذار شده‌اش به منزله پیروزی ایران جشن بگیرد و بعد از مدتی بگوید اصلا چیزی امضا نشده است!

۰۹۱۷---۲۴۰۹

* این گفته آقای رئیس‌جمهور که در توافق هسته‌ای چیزی را امضاء نکرده‌اند یعنی اینکه هم ما و هم کشورهای گروه ۵+۱ همه سرکار بوده‌ایم و دو سال تمام برای سرگرمی مذاکره کرده‌ایم! خدا وکیلی یک نفر با عقل سلیم این سخن را قبول می‌کند؟

۰۹۱۲---۶۹۹۸

* این چگونه توافق هسته‌ای است که هرچه به زمان برداشته شدن تحریم‌ها نزدیک‌تر می‌شویم بجای مشاهده کاهش قیمت برعکس با افزایش قیمت همه کالاها مواجه می‌شویم. آیا همین موضوع دلیل بر عدم تأثیر این توافق بر مسائل اقتصادی نیست که قبلا درباره آن سخنان پرطمطراق گفته می‌شد.

۰۹۱۱---۰۰۴۹

* قبل از توافق هسته‌ای دولت یازدهم همه چیز ملت را به آن گره می‌زد حال که به خواسته خود رسیده، وعده سرخرمن می‌دهد که ما نهال کاشته‌ایم تا به ثمر برسد زمان می‌برد! و اصلا پول‌های بلوکه شده رقم قابل توجهی نیست.

۰۹۱۲---۳۹۱۷

* وقتی خبر حضور بی‌بی‌سی در کنگره حزب مشارکت که در قالب حزب اتحاد ملت پوست عوض کرده را شنیدیم، پی بردیم که اجازه فعالیت به این مظاهر فساد برای چه بوده است. شک نداریم که باز شدن سفارت روباه پیر برای مداخله در انتخابات و ضربه زدن به آن است. ما صدای زوزه روباه پیر را از حالا می‌شنویم.

طالعی

* رئیس‌جمهور محترم در کنفرانس خبری در پاسخ سوالی با این مضمون که شما گفتید با این توافق (هسته‌ای) سایه جنگ از سر ما برداشته شد، در قبال این همه تهدیدات مکرر دشمن حتی حمله نظامی و یا پروژه نفوذ و تغییر نظام چه نظری دارید؟ گفت: «تهدید همیشه بوده و با سایه جنگ فرق دارد.» اما بنده معتقدم تهدیدات دشمن با این توافق و بازگشایی سفارت انگلیس خبیث هدفمندتر و راه نفوذ و جاسوسی همه دشمنان از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی مهیاتر و قابل دسترس‌تر شده است که به خود جرأت می‌دهند ما را دائم به حمله نظامی و مکانیزیم ماشه تهدید نمایند. لذا جا دارد مجلس شورای اسلامی دقت بیشتری درخصوص بررسی برجام و سرنوشت ملت نمایند.

محمدرضا فخرالساعه

* روزنامه‌های زنجیره‌ای خودشان را هم بکشند نمی‌توانند از آوازخوانی که کارش به همکاری با شبکه تلویزیونی مبتذل بهایی‌ها کشید چهره محبوب درست کنند. شجریان در فتنه ۸۸ راه خودش را از ملت جدا کرد و با افراد ضد انقلاب همنوا شد.

۰۹۱۵---۱۷۱۳

* انگلیسی‌ها همیشه در پشت پرده صلح و امنیت دست به ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در کشورهای هدف زده‌اند. بنابراین در بازگشایی مجدد سفارت این روباه پیر در ایران باید همگان مواظب نیرنگ‌های آنان باشیم و فریب نخوریم.

۰۹۳۵---۴۱۸۷

* در مصاحبه خبرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی با وزیر خارجه انگلیس انتظار داشتیم خبرنگار رسانه ملی این دولتمرد انگلیس را درباره خیانت‌های گذشته کشورش در حق ملت ایران به چالش می‌کشید نه اینکه بلندگو در اختیار او بگذارند تا او هم بگوید انگلستان به مردم ایران بی‌اعتماد است!

یزدان‌پناه

* گویا صدا و سیما فراموش کرده که علت نامگذاری هفته دولت چه بوده است. چرا هیچ یاد و نامی از شهیدان رجائی و دکتر باهنر نیست؟ الگوی دولت‌ها باید این عزیزان باشند.

۰۹۱۶---۲۷۰۵

* کلید دولت تدبیر قفل لانه جاسوسی انگلیس خبیث را باز کرد ولی گویا برخلاف وعده‌ها گره مشکلات معیشتی، ازدواج، مسکن، بیکاری و... را نمی‌تواند باز کند.

۰۹۱۹---۱۳۵۹

* قدرت ایران در چند سال پیش در حدی بود که رئیس‌جمهور آمریکا اذعان کرد از اینکه بتواند پیچ و مهره هسته‌ای ایران را باز کند عاجز و ناتوان است. حال چه شده که مسئولان کشورمان می‌خواهند با دست خود قلب راکتور هسته‌ای آب سنگین اراک را با سیمان پر کنند.

قاسمی از رودسر

* وقتی ارزش دلار بالا می‌رود و ارزش ریال کاهش می‌یابد باز هم قشر حقوق‌بگیر و تولیدکننده متضرر می‌شود. دولت چه تدبیری برای افزایش ارزش ریال نموده است؟

واعظیان

* در سال همدلی و همزبانی که باید همه آن را سرلوحه گفتار و حرکات و کردار خود قرار دهیم چرا برخی از دولتی‌ها تمام همت‌شان را صرف اتهام‌زنی به دولت قبل کرده‌اند؟ آیا این رویکرد ایجاد همدلی می‌کند یا کینه و نفرت! انصاف اقتضا می‌کند در کنار نقد اشکالات گذشته به قصد رفع آنها، تلاش‌ها و پیشرفت‌های در علم و تکنولوژی و هسته‌ای و سازندگی و... در هر دوره‌ای که انجام شده است، بیان شود.

۰۹۱۸---۵۳۰۵

* پدر پیر و بیمارم را در بیمارستان[...] شهرستان گناباد بستری کردم بعد از ۱۵ روز مبلغ ۹ میلیون تومان پول گرفتند و جسد مرده پدرم را تحویل دادند. درست هر شب مبلغ ۶۰۰ هزار تومان پول تخت گرفته‌اند.

علی شاهی

* آزاد راه خرم‌آباد- اندیمشک از هر تریلی ۵۰ هزار تومان و از هر سواری ۱۲ هزار تومان عوارض می‌گیرد و به همین علت بسیاری از خودروها ترجیح می‌دهند که از جاده قدیم تردد نمایند و همین امر باعث افزایش تصادف و تلفات جانی و مالی در این جاده شده است.

۰۹۱۹---۸۹۳۲

پاسخ روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران

ضمن تشکر از آن رسانه به جهت انعکاس دغدغه‌های مردم و در پاسخ به مطلب مندرج در ستون کیهان و خوانندگان ۹۴/۶/۲ با موضوع «کمبود داروی کرون در کشور و عدم وجود این دارو در داروخانه هلال احمر» به آگاهی می‌رساند:

- داروی «کرون» جزء فهرست داروهای تک نسخه‌ای نبوده و از طریق نماینده رسمی ثبت شده در ایران وارد کشور شده و در اختیار تمامی داروخانه‌های عمومی و خاص قرار می‌گیرد.- در حال حاضر این دارو در لیست کمبودهای دارویی سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت است و به محض ورود آن توسط وارد کننده در تمامی داروخانه‌های معتبر توزیع خواهد شد.

لذا واردات و یا توزیع خاص این محصول ارتباطی با داروخانه‌های هلال‌احمر یا واردات داروهای تک نسخه‌ای توسط هلال‌احمر ندارد.»